

نویسندهٔ هند نو

هندها برادران ما هستند و هند مملکت متمدن بزرگی است و ما باید آن مردم و آن مملکت را بهتر بشناسیم. سفارت کبرای هند در سوئیس (و همچنین چندین نمایندگی‌های سیاسی دیگر آن کشور و از آنجمله سفارت کبرای هند در ایتالیا) چندسال است هر ماه با نام «نشریهٔ سفارت کبرای هند در برن» مجله‌ای بزبان انگلیسی و فرانسه انتشار میدهد که تمام مندرجات آن مربوط به هندوستان و اخبار آن کشور است و چه بسا مقالات سودمندی دارد که معلوم است بقلم اشخاص بصیر و با اطلاع نوشته شده است (۱). از آنجمله در چند شمارهٔ پیش، «نشریهٔ سفارت کبرای هند در برن» مقاله‌ای داشت در باب روابط هند با ایران که بسیار جامع و عالمانه بود و اگر عمری باقی باشد ترجمهٔ آنرا برای مجلهٔ گرامی «یغما» خواهم فرستاد و یا عین مقاله را ارسال خواهم داشت که در همانجا بترجمه برسانند.

شماره‌ای که همین امروز رسیده است (شمارهٔ ۱۱ از جلد ششم) مشتمل است

بر مقالات و مطالب ذیل:

- ۱ - صنعتی شدن هند و نقشهٔ پنجسالهٔ دوم.
- ۲ - موسم زراعت و خرمن در هند.
- ۳ - برنامهٔ بسط و توسعهٔ مراکز روستائی در هند.
- ۴ - تشکیلات اتحادیه‌های کارگری در هند.
- ۵ - منشی پریمچند نویسندهٔ هند نوین.
- ۶ - داستان طوطی بقلم رابیند رانات تاگور (۲).
- ۷ - اخبار و اطلاعات اقتصادی مربوط به هند.
- ۸ - اخبار متفرقه مربوط به هند.

(۱) در ایران هم مجلهٔ مفید «هند نوین» چندسال است از طرف سفارت کبرای هند منتشر میشود. (مجلهٔ یغما). (۲) ترجمهٔ این داستان بقلم جناب جمالزاده در شمارهٔ بعد درج میشود. (مجلهٔ یغما)

«نشریه سفارت کبرای هند در برن» عموماً در بیست صفحه بزرگ بطبع میرسد و مجانا برای اشخاص ذیعلاقه فرستاده میشود. در روی جلد آن عکس یکی از معروفترین مجسمه‌های بودا را که در این صفحه ملاحظه میفرمائید و معروف است به بودای غار آجتا چاپ کرده‌اند.

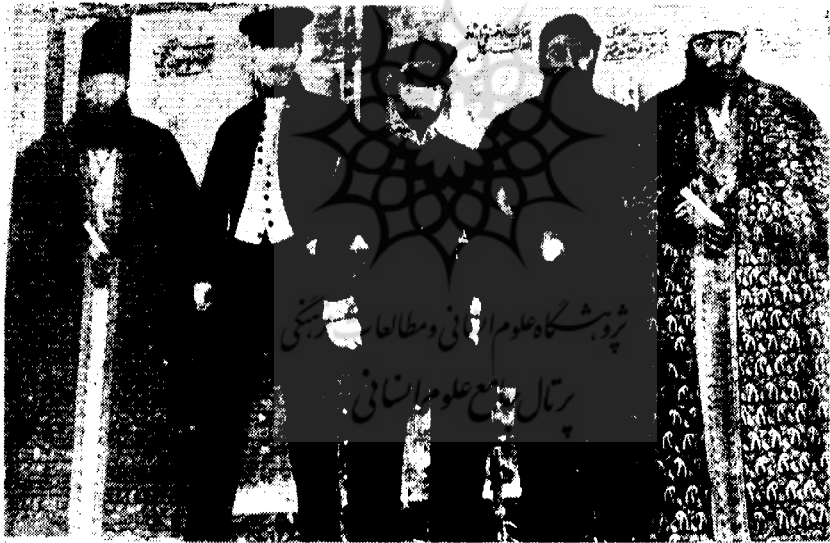


عکس مجسمه بسیار بزرگ و تاریخی حضرت بودا در غار معروف آجتا

این غار معروف در ایالت دکن واقع است. در انتهای دره تنگی است که آبشار زیاد دارد. در سینه کوه درجائی که مشرف به آبشار است در یک نوع غاری که یانسد الی ششصد متر طول آنست و بطرف دره منافذ و درگاههای فراخ بسیاری دارد و پر از ستونها و نقاشیهای تاریخی بسیار و عبادتگاههای متعدد است واقع شده و از معروفترین غارهای مذهبی هند و از جاه دیدنی دنیا میباشد. هر چند بعضی از قسمتهای آن شاید زیاد قدیمی نباشد ولی قسمتهای اصلی در حدود دوهزار سال پیش ساخته شده است.

حالا کاری نداریم که مأمورین وزارت امور خارجه ما در ممالک خارجه ازین کارها کمتر میکنند وای کاش با تشویق اولیاء امور بیشتر بمأمورین ممالک دیگر تاسی مینمودند و بخاطر میآوردند که تا کنون چند فقره از بهترین کتابهایی که در باب ایران و تاریخ ایران و مردم ایران نوشته شده بقلم مأمورین ممالکی بوده که از طرف وزارت امور خارجه مملکتهای خود مدتی بسمتهای رسمی در مملکت ما اقامت داشته اند و از آنجمله برسم تذکراسامی عددای از آنها را در اینجا مذکور میدارد و الا تمام آنها طومار دور و درازی میشود که از حوصله این گفتار بیرون است :

۱ - کنت دوکویینو فرانسوی که قصه های مشهور او که اغلب آنها مربوط بایران است با سه « داستانهای آسیائی » بچندین زبان ترجمه شده و مکرر بچاپ



این عکس از روی نقاشی رنگی برداشته شده است

از راست بچپ : میرزا سعیدخان (وریر امور خارجه) . حیدر افندی (سارژدافر ترکیه) . لافسفی (سارژدافر روسیه) . کونت دوکویینو (سارژدافر فرانسه) . میرزا عباسخان (منشی وزارت امور خارجه) رسیده است میتوان شاهکارهای واقعی دانست (گویا تمام یا بعضی از آنها از طرف آقای عبدالحسین میکده در نهایت خوبی بفارسی نیز ترجمه رسیده و انتشار یافته است) . کتابهای دیگر گویینو مخصوصاً «مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی» که تقریباً

سرتاسر مربوط بمملکت مامیباشد و همچنین کتاب «سه سال سیاحت در ایران» شهرت دارد و مشتمل بر مبلغ زیادی اطلاعات بسیار گرانبهای در خصوص ما و مملکت ما و طرز اندیشه ما میباشد. کسانی که خوراک خانه (رستوران) لقانطه را در جوار بهارستان در خاطر داشته باشند و در کنار آن آب پاک و روح افزا آن غذاهای لذیذ و شربتهای گوارا را نوشیده‌اند خوب میدانند که در طالار آن بنا تصاویری رنگی بر بدنه دیوارها نقش بود و از آن جمله پرده‌هایی بود که چند نفر از سفرای ممالک خارجه را نشان میداد و کنت گوینو نیز با آن کلاه رسمی و لباس سیاه د کمه دار فرانسوی در میان آن جمع دیده میشد. خدا بخواد که این عمارت بسیار دلپذیر و نفیس با آن استخر و آن درختهای گوناگون که نمونه خوبی از خانه‌های مسکونی ما بود طعمه تیشه و کلند «تجدد خواهی» نگردیده باشد و یا لاقلاً نقاشیهای طالار آنرا محفوظ داشته باشند (۱).

۲ - **سرجان ملکم** سفیر انگلستان در ایران در زمان فتحعلی شاه که کتاب «تاریخ ایران» او مشهور است، و این کتاب بطرزی بسیار خوب و بمبارتی فصیح و بلیغ فارسی نیز بترجمه رسیده و معروف خاص و عام است.

ملکم سفرنامه بسیار خواندنی و سودمندی نیز در باب مسافرت‌های خود بایران دارد که بفرانسه هم بترجمه رسیده ولی گمان نمیکنم خود ما هنوز آنرا بفارسی ترجمه کرده باشیم و راستی حق کارمندان جوان باهمت و بافضیلت وزارت امور خارجه ماست که آنرا بترجمه برسانند.

۳ - **جیمس موریه** عضو سفارت انگلستان در ایران (در زمان فتحعلی شاه) که مؤلف چند کتاب و سیاحت‌نامه است و از آن جمله داستان معروف او «حاجی بابای اصفهانی» شهرت عالمگیر دارد و بچندین زبان بترجمه رسیده است که محتاج بمعرفی نیست و مخصوصاً ترجمه فارسی آن در زبان فارسی شاهکار کم نظیری است و هر چند آنرا بمیرزا احمد روحی معروف نسبت میدهند، و ممکن است از میرزا حبیب اصفهانی باشد یا با کمک او بترجمه رسیده باشد.

(۱) نقاشی‌های طالار لقانطه بموزه ایران باستان انتقال یافته، اما ساختمان آن متأسفانه بصورت نخستین نیست. (مجله یقما)

۴ - راینو و نیکلا قونسولهای انگلیس و فرانسه نیز دارای تألیفاتی در باب مملکت ما میباشند که معروف است و محتاج بمعرفی نیست. رسالات راینو در خصوص گیلان بسیار گرانبهاست و آنها هم باید روزی بترجمه برسد.

قونسولها و مأمورین رسمی آلمان و روسیه هم در باب مملکت ما کتابهای متعددی دارند که ذکر یکی بیکی آنها مقدمه این مقاله را زیاد دراز خواهد کرد و لهذا فعلاً بهمین اشاره مختصر قناعت میروود و امید است که بازیکتفر (یا چند نفر) از کارمندان با همت و معرفت پرور وزارت امور خارجه ما مطالعه کافی و شافی در باب تألیفاتی که بقلم مأمورین وزارتهای خارجه و ممالک مختلفه در ایران در باب مملکت ما نوشته شده است بعمل آورده نتیجه مطالعات و تحقیقات خود را بشکل کتابی که مشتمل بر معرفی مؤلفین و شرح زندگانی آنها در ایران نیز باشد بچاپ برسانند



باری، چنانکه اشاره شد از جمله مقالات شماره اخیر « نشریه سفارت کبرای هند در برن » مقاله ایست در باب **هنشی پریمچند** (۱) رمان نویس هندنو که یقین دارم ارباب دانش و ادب ما علاقهمند بآشنائی با او هستند و بهمین ملاحظه مطالبی چند از آن مقاله را ذیلاً نقل و ترجمه مینمایم. در این مورد نیز با تأکید تمام از جوانان باذوق و پرشور خودمان استدعا مینمایم که البته صد البته بهر وسیله ای باشد مشهورترین کتابهای این نویسنده بزرگ معاصر هندی را بدست آورده بفارسی بترجمه برسانند و از آنجائیکه بسیاری از اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی و عادات و رسوم هندیها با ما شباهت زیاد دارند، مطمئن باشند که با ترجمه و نشر این کتابها خدمت بزرگی بمملکت و هموطنان خود خواهد نمود.

نویسنده اجتماعی هند

درست چهل و پنج سال پیش رهانی باسم « سواسادان » (۲) (پناه گاه بینوایان) در هندوستان انتشار یافت که چون جنبه اجتماعی داشت سخت مورد توجه واقع گردید. نویسنده آن کتاب جوانی بود بیست و هشت ساله که در یکی از مدارس

(۱) Munshi premchand (۲) Sewa sadan

هندوستان سمت معلمی داشت. نامش **دناپاناری** بود ولی بعدها اسم خود را تغییر داد و کتابهای خود را بنام مستعار **پریمچند** منتشر ساخت. هموطنانش او را نویسنده عهد جدید هندوستان دانستند و روز بروز بر شهرت این نویسنده جوان افزود و پریمچند با کاغذ و قلم سروکار بیشتری پیدا کرد و خوانندگانش افزونی یافت.

مردم کتابهایش را با ولع مخصوصی میخواندند و حتی میتوان گفت می بلعیدند. پریمچند بنقائص خود در فرق نویسنده‌گی واقف بود و فهمید که باید کار بکند و زحمت بکشد و دانش و اطلاع بیشتری بدست آورد تا بتواند کتابهایی تقدیم پیشگاه هموطنانش نماید که واقعا دارای قدر و قیمتی باشد، کار کرد و زحمت کشید و بمقصود خود رسید و در نتیجه همین همت بلند و کار و زحمت بود که قاطبه هموطنانش در روز پانزدهم همین آخرین ماه ثویه ۱۹۵۵ بمناسبت بیستمین سال وفات او جشن تذکاریه بزرگی گرفتند. نکته مهم این است که زندگانی شخص پریمچند از کتابها و آثارش نیز خواندنی تر است. وی در سال ۱۸۸۱ میلادی بدنیا آمد. در هفت سالگی مادرش وفات نمود و پدرش زن دیگری گرفت و طفلک گرفتار نامادر گردید. چیزی که هست نه سال بعد پدرش نیز در گذشت و این جوان شانزده ساله مجبور گردید نامادر و برادران و خواهران خود را نگهداری نموده بآنها نان بدهد. برای در آوردن نان بهر دری زد ولی ضمناً از درس و تحصیل هم غافل و محروم نماند. چون جوان بود و دل داشت و اهل سرو سر بود چنان اتفاق افتاد که گرفتار همسری نیز گردید. باهم نساختند و همسر رفت و جوان تنها ماند و با عذاب روحی بسیار و مصیبت جوانی و فقر و نداری آشنائی کامل پیدا کرد. همانوقت بود که رمان اول او بنام «سواسادان» در دوزبان هندی و اردو باهم انتشار یافت. در این کتاب انتقاد سختی از اوضاع اجتماعی هند نموده و علی الخصوص رسم و عادت جهیز دادن بدختران و مضرات این کار را بطرز رسائی نشان داده است. سادگی انشا و حقیقت بینی و حسن نیت فراوان نویسنده جوان موجب شهرت او را فراهم ساخت و طولی نکشید که پریمچند در ادبیات هندوستان مقام بلندی پیدا کرد و رفته رفته مردم هند او را هواخواه و حامی و پشت و پناه خود و پیشقدم اصلاح طلبان در زمینه اصلاحات اجتماعی دانستند.

از جمله آثار معروف او یکی هم رمان «پری ماسرام»^(۱) است. نویسنده در این کتاب مهمترین مشکل اجتماعی و اقتصادی مملکت خود یعنی طرز زمین داری و احوال کشاورزان بی زمین و رفتار و کردار مالکین بزرگ را از خوب و بد مطرح ساخته و با رعایت حقیقت گوئی و انصاف کیفیات این امر و مناسبات بین رعیت و ارباب را که «در حکم ستون فقرات هند» میباشد مجسم ساخته است. پریمچند در این کتاب همان اصلاحاتی را مورد بحث قرار داده که امروز دولت هند مشغول از قوه بفعل آوردن آنهاست و از این لحاظ میتوان او را در این اصلاحات اساسی پیشقدم و مقتدا دانست و باید آرزو نمود که اولیاء امور ایران نیز آن اصلاحات را مورد مطالعه قرار داده بدان تأسی جویند.

در کتاب دیگری با اسم «گابان» اخلاق و رفتار زندهای تجمل پرست و سست عهد را که از جمله ساخته های تمدن کاذب است موضوع قرار داده و نظر خود را درباره اصلاح روابط زن و شوهر بطرز بسیار دلپسندی یا زبانی ساده و صریح بیان نموده است. باید دانست که هند جدید در این زمینه هم قوانین جدیدی وضع نموده که با نظریات پریمچند مطابقت کامل دارد و میتوان گفت که بوصایای نویسنده محبوب خود عمل نموده است. پریمچند پس از آنکه سالها با وجود شهرتی که حاصل نموده بود باز بهمان شغل معلمی مشغول بود کم کم ترفیع رتبه یافته بازرسی مدارس گردید و بسدینقرار فرصتی پیدا نمود که با پیچ و مهره های اداری مملکت خود آشنائی بیشتری حاصل نماید. وقتی بود که ملت هند برهنمائی قاید بزرگوار خود گاندی در راه آزادی و استقلال مجاهدت میکرد. پریمچند از هواداران جان بکف گاندی بود و برای اینکه بهتر بتواند به موطنان خود خدمتگزاری کند از شغل رسمی خود استعفا داده آزاد و مختار گردید و از آن پس تنها از برکت قلم خود نان خورد و نان داد و نان رسانید. کتابی را که در همان اوقات بنام «رانگا بومی»^(۲) نوشت میتوان شاهکار او بشمار آورد. یلد نامدار این کتاب مردی است از مالکین بزرگ و شخصی است شجاع و شرافتمند و خیرخواه و نوع پرست همانطور که دلخواه گاندی بود.



گاندی

نباید فراموش کرد که پریمچند نیز مانند هموطنان خود بسیاری از ما ایرانیان اهل عرفان و حیات باطنی و آنچه ما آنرا تصوف میخوانیم هم بوده است و ازینرو در کتاب دیگری از مشهورترین آثار خود بنام «کارما بومی» (۱) باسعه صدر و علو فکر و اندیشه‌ای که شایسته هر گونه ستایش و تمجید است زندگانی روحانی هموطنان خود و محیط يك معبد هندی را مجسم ساخته است.

در کتاب دیگری که عنوانش «گودان» (۲) است باز زندگانی رعایا و روستائیان را موضوع قرار داده است و در واقع حماسه‌ایست در ستایش این طبقه که از روزگاران قدیم و لیکنمت حقیقی ما برادران هندی ما بوده‌اند و هر چند خود همیشه گرسنه بوده و هنوز هم گرسنه هستند.

مجموع آثار پریمچند در حدود دوست فقره رمان و قصه مییابد که اغلب آنها در فاصله دو جنگ جهانی انتشار یافته است و بدبختانه تا کنون تنها عده قلیلی از آنها بزبانهای دیگر ترجمه رسیده است و امیدواریم هر چه زودتر مهمترین آنها بزبان فارسی منتشر گردد و برای ما ایرانیان و جوانانی که اهل قلم هستند در فن نویسندگی و نشان دادن مفاسد اجتماعی سرمشق باشد.

نویسنده مقاله در «نشریه سفارت کبرای هند در برن» مینویسد «پریمچند امروز در ادبیات هندوستان بزبان هندو مقام مخصوصی را حائز گردیده است و برعکس نویسندگان هندی دیگری که بر ازل زماناً مقدم بوده‌اند با عشق و دل‌آشفتگی‌های عاشقانه بیمزه و مبتذل سروکاری ندارد و حتی گاهی در حقیقت بینی و حقیقت گوئی کار را بجائی میرساند که بوی قساوت را میدهد و خلاصه آنکه از عوالم اوهام و تصوّر و جهان «فانتزی» تبرّی دارد و همین تفاوت وجه تمایز اوست با نویسندگانی که پیش از او بوده‌اند... آثارش شاید بدون آنکه خودش خواسته باشد ترکیبی است از واقع بینی مغرب‌زمین و اعتقاد بتقدیر و رضا و سکینه مشرق‌زمین».